



Research Paper

Analysis of Common Metaphors Surrounding Linguistic Diversity in the Minds of Social Actors

Adel Mohammadi

PhD in Linguistics, Researcher at the National Language Institute, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (Adel.m223@gmail.com)



10.22034/lda.2025.143402.1042

Received:

September, 27,
2024

Accepted:

November, 21,
2024

**Available
online:**

January, 19,
2025

Keywords:

*metaphor,
linguistic
diversity, Ruiz's
approach,
social actors,
monolingualism
, Discourse.*

Abstract

The present study, based on Batistella's metaphorical approach and Ruiz's three-layer framework, examines the representation of common metaphors related to linguistic diversity in the minds of social actors, aiming to identify the dominant and more prominent metaphors held by these actors. The research data were selectively collected from Iranian press texts published from the Pahlavi II era to the present day, concerning the issue of language diversity and monolingualism. This study is descriptive-analytical, and data collection was conducted through library research. Qualitative and quantitative analysis revealed that the metaphor "language as a nation" holds the highest frequency. This high frequency indicates that social actors, without considering linguistic diversity and multilingual societies worldwide, assume a reciprocal relationship between "language and nation." Based on the reasoning derived from the metaphor "language as a nation," they believe that monolingualism leads to cohesion and unity among speakers of a nation, while linguistic diversity results in fragmentation and disintegration of the nation.



مقاله پژوهشی

تحلیل استعاره‌های رایج پیرامون تنوع زبانی در اذهان کنشگران اجتماعی

عادل محمدی (نویسنده مسؤول)

دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگر زبانکده ملی، تهران، ایران. (Adel.m223@gmail.com)



10.22034/lda.2025.143402.1042

چکیده

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد استعاره‌ای باتیستلا (Battistella) و رویکرد سه‌لایه‌ای رویز (Ruíz) به بازنمایی استعاره‌های رایجی می‌پردازد که در ارتباط با تنوع زبانی در اذهان کنشگران اجتماعی شکل گرفته است تا از این راه استعاره‌های غالب و برجسته‌تر را در ذهن این کنشگران مشخص نماید. داده‌های پژوهش به صورت هدفمند برگرفته از متون مطبوعاتی ایران است که در بازه زمانی پهلوی دوم تا عصر کنونی پیرامون مسئله تنوع زبان-ها و تک‌زبانگی در این مطبوعات انتشار یافته است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. در تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و کمی مشخص شد که استعاره «زبان همچو ملت» بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. چنین بسامد بالایی حاکی از آن است که کنشگران اجتماعی بدون این که تنوع زبانی و جوامع چندزبانه کشورهای دنیا را در نظر بگیرند، فرضشان بر این است که «زبان و ملت» رابطه دوسویه با هم دارند و با این استدلال که ناشی از استعاره «زبان همچو ملت» است، چنین تصور می‌کنند که تک‌زبانگی، سبب انسجام و اتحاد گویشوران در یک ملت می‌شود و تنوع زبانی، منجر به تجزیه و ازهم‌گسیختگی ملت می‌شود.

استناد: محمدی، عادل (۱۴۰۳). «تحلیل استعاره‌های رایج پیرامون تنوع زبانی در اذهان کنشگران اجتماعی»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۲ (۳)، ۱۰۱-۱۲۳.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۳۰

واژه‌های کلیدی:

استعاره، تنوع زبانی، رویکرد رویز، کنشگران اجتماعی، تک‌زبانگی، گفتمان.

۱. مقدمه و بیان مسأله

تحلیل استعاره‌ها به صورت چشمگیر در رشته‌های مختلف دانشگاهی مانند مطالعات ادبی، زبان‌شناسی شناختی، تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی، دستور زبان، مطالعات ترجمه، زبان‌شناسی تاریخی و... توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (گوتلی Goatly، ۲۰۱۷). شاید تصوّر عموم چنین باشد که استعاره، صرفاً یک آرایه ادبی محض است؛ اما چنین نیست بلکه استعاره، پدیده‌ای رایج، گسترده و فراگیر است (خمیلنتسکی و سولکوفسکی & Chmielecki، Sułkowski، ۲۰۱۶: ۸). استعاره‌ها هم در دل نظریه گفتمان و هم تحلیل گفتمان، به مثابه ابزار یا واحدهای زبانی شناخته می‌شوند که در گفت‌وگوها و بافت‌های خاص جایی گرفتند. تحلیل‌گران گفتمان بدان باورند از استعاره‌ها برای تعاملات اجتماعی خاص بین گویشوران زبان بکار گرفته می‌شوند (کامرون Cameron، ۲۰۰۳). از این رو، مطالعه موشکافانه استعاره می‌تواند آگاهی‌مان را از نقشی که در روش‌های متداول گفتگو و اندیشیدنمان ایفا می‌کنیم، بالا ببرد تا افراد بتوانند عبارات استعاری و مفهوم‌سازی را بهتر دریابند و با نگاهی انتقادی در درستی و صحتشان تأمل ورزند (سمینو Semino، ۲۰۰۸: ۲۴).

هنگامی که استعاره‌ها از سوی سیاستمداران و متون مطبوعاتی تولید می‌شود، بخشی مهمی از گفتمان سیاسی پنداشته می‌شوند (هارت Hart، ۲۰۱۵: ۱۲۷) و همه استعاره‌ها چه با انگیزه سیاسی شکل گیرند و چه عاری از انگیزه سیاسی باشند، ناگزیر برخی از جنبه‌های واقعیت را برجسته و برخی را پنهان می‌سازند. این سوءبرداشت‌هایی که از زبان می‌شود از ساده‌اندیشی و استدلال‌های سطحی است که اغلب در به‌کارگیری استعاره‌های رایج نمود می‌یابد. به دیگر سخن، مفاهیمی که ارتباط مستقیمی با تنوع زبانی و فرهنگی دارند، معمولاً از راه استعاره‌ها بیان می‌شوند تا تصویری عینی از آن‌ها در اذهان انسان‌ها شکل بگیرد و آن‌ها نیز از این طریق به ارزیابی و قضاوت در مورد مسائل زبانی و فرهنگی بپردازند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۵-۱۵۴). با این وصف، مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکاوی استعاره‌های خلق‌شده در متون مطبوعاتی است تا دریابیم که این متون، نگاشته‌های خود را پیرامون تنوع زبانی با بهره‌گیری از کدام استعاره شکل داده است و تصوّرات و فرضیات نادرست در اذهان کنشگران چگونه از طریق استعاره‌های رایج بازنمایی شده است. هدف اصلی پژوهش این است که با بهره‌گیری از تحلیل استعاره‌ها، متون مطبوعاتی را مورد بررسی قرار دهد تا غالب‌ترین و پُرسامدترین شکل‌گیری استعاره‌ها پیرامون تنوع زبانی را در ایران مشخص نموده و با مطرح نمودن پرسش اصلی پژوهش دریابیم که تصوّرات کنشگران اجتماعی پیرامون تنوع زبانی در متون مطبوعاتی بیشتر از راه کدام نوع استعاره بازنمایی شده است؟ با

توجه به اینکه در این پژوهش تلفیقی از رویکرد سه‌لایه‌ای رویز (۱۹۸۴) و رویکرد استعاره‌ای باتیستلا (۲۰۰۵) را بکار گرفته‌ایم و مسائل زبانی و استعاره‌هایی را که بر پایه فرضیات و تصوّرات غلط پیرامون تنوّع زبانی در ایران شکل گرفته است را برای نخستین بار مورد واکاوی قرار می‌دهیم، از این منظر می‌توان گفت که پژوهش حاضر نوآوری دارد.

جامعه آماری در این متون برگرفته از «مطبوعات» است که ۳۰۰ متن را به صورت هدفمند استخراج نموده و این داده‌ها در بازه زمانی پهلوی دوم تا عصر حاضر به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. این پژوهش با استفاده از الگوی استعاره‌ای باتیستلا و الگوی سه‌لایه‌ای رویز مبتنی بر روش توصیفی-تحلیل است. برای اینکه نتیجه داده‌ها به صورت دقیق، مشخص و ارزیابی شود، علاوه بر روش کیفی از روش کمی (جدول و نرم‌افزار سنجش نمودار آماری) استفاده شده است. پژوهش‌های اخیر در تحلیل کیفی نشان می‌دهد که می‌توان به منظور دقت در واکاوی داده‌ها، از روش کمی در کنار روش کیفی به صورت تلفیقی استفاده نمود (آنتونی و بیکر Anthony & Baker، ۲۰۱۵)؛ یعنی اگر تکرار و فراوانی کاربرد یک مؤلفه در تحلیل یک متن، فراوان باشد، این مفهوم، دارای اهمیت و برجستگی خاصی است و از این جهت روش کمی در خدمت روش کیفی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

ماهیت میان‌رشته‌ای تحلیل استعاره بر اهمیت آن به عنوان یک زمینه مطالعاتی پویا تأکید می‌کند؛ بنابراین، پژوهش‌های خارجی بسیاری در مورد تحلیل استعاره از منظرهای گوناگون انجام شده است که به تأثیر فرهنگ بر تولید و تفسیر استعاره، کارکرد استعاره در انواع مختلف گفتمان، مفهوم‌سازی استعاری، کاربرد و نقش استعاره در متون چندوجهی، نقش استعاره در ایجاد روابط واژگانی، بازنمود استعاره در ذهن گویشوران و بسیاری موارد دیگر می‌پردازد. باتیستلا (۲۰۰۵) در پژوهشی که از پنج فصل تشکیل شده است، پرسشی را بیان می‌کند: آیا برخی واژه یا برخی از زبان‌ها از دیگر واژه و زبان‌ها برتر هستند؟ در پژوهش نامبرده، بحث درست‌نویسی، لهجه بد، دستور زبان بد و برخی از مسائل زبانی مطرح می‌شود که در نهایت چنین تصوّرات نادرستی که با تنوّع زبانی در ستیز است و به ایدئولوژی تک‌زبانگی مشروعیت می‌بخشد، بیشتر در استعارها نمود می‌یابد.

هارنر (Horner) (۲۰۰۹) ایدئولوژی‌های زبانی را در کشورهایی مورد بررسی قرار می‌دهد که تک‌زبانگی در آن کشورها حاکم است. این تصوّر که تک‌زبانگی به عنوان زبان غالب می‌تواند نقش اتحاد و انسجام را در میان گویشوران ایفا کند، یک نوع ایدئولوژی زبانی است

که از سوی برخی از کنشگران سیاسی مطرح می‌شود و در برخی از موارد، مراکز دانشگاهی و فرهنگستان‌ها نیز به این ایدئولوژی مشروعیت می‌بخشند.

پیلر (Piller) (۲۰۱۶)، تنوع زبانی و عدالت اجتماعی را در تقابل با تک‌زبانگی مورد واکاوی قرار می‌دهد. در این پژوهش هدف تک‌زبانگی در امر آموزش، هیچ انگیزه‌ای به‌جز آموزش غوطه‌ورسازی (Submersion Education) در یکسان‌سازی زبانی (Linguistic Assimilation) ندارد که منجر به یکسان‌سازی زبان‌ها با زبان معیار می‌شود. آموزش غوطه‌ورسازی، رویکردی است که بر پایه (شناختن یا غرق می‌شوی) بنا نهاده شده است. این رویکرد برای زبان‌هایی که غالب نیستند، بسیار زیان‌بار است؛ زیرا آنان با چالشی دوگانه مواجه می‌شوند که عملکرد تحصیلی‌شان را به مخاطره می‌اندازد. رها ساختن زبان نخست و بهره‌گیری از زبان دوم، نه تنها روند آموزش و یادگیری را آسیب‌پذیر می‌سازد؛ بلکه روی رشد شناختی و موفقیت‌های درسی اثرات منفی به‌جای خواهد گذاشت.

کینگ (King) (۲۰۱۸) تک‌زبانگی را در دنیای مدرن، نه تنها یک نقطه قوت نمی‌داند؛ بلکه به‌عنوان یک نقص در نظر می‌گیرد. در پژوهش کینگ، هویت چندزبانی یک نوع امتیاز تلقی می‌شود. برای نمونه شهر اوترخت (Utrecht) در هلند، خود را به‌عنوان «کانون چندزبانی» معرفی می‌کند. ملبورن، همچون خانه مردمان بیش از صدوچهل کشور، خود را به‌عنوان یک شهر غنی چندفرهنگی توصیف می‌کند که تاریخ، اقتصاد و هویت کنونی آن پیوند تنگاتنگی با مهاجرت دارد. ژوهانسبورگ تا کوالالامپور سرمایه چندزبانی خود را تبلیغ کنند و نمادی‌ترین نمونه از یک جهان‌شهر اروپایی، لندن است که برای بسیاری از مردم، مکانی پرخروش، خلاق و جهان‌شهری با بیش از دویست زبان است.

همچنین پژوهش‌های اخیر نظیر پژوهش گراف (Groff) و همکاران (۲۰۲۳) نقش تنوع زبانی را براساس الگوی رویز (۱۹۸۴) مورد بررسی قرار می‌دهند و پژوهش برنشتاین (Bernstein) و همکاران (۲۰۲۳) نگرش معلمان را در مورد نظام آموزشی چندزبانه و چگونگی ایدئولوژی‌های زبانی و سیاست‌های زبانی را در مدارس مورد کندوکاو قرار می‌دهد. افزون بر آن، نکوالا (Nkoala) (۲۰۲۴) در پژوهش خود زبان را به‌مثابه یک منبع در نظر می‌گیرد که چنین رویکردی از تنوع زبانی حکایت می‌کند و لازم است که در مدارس و آموزش عالی چنین نگرشی اعمال شود.

از میان پژوهشگران داخلی نیز رسولی و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی اهداف، روند و پیامدهای سیاست‌های زبانی دولت پهلوی اول در کردستان می‌پردازد. در نتیجه، عواملی مانند رویکرد تک‌زبانگی، استخدام معلمان غیربومی در امر آموزش و بهره‌گیری از

روش‌های تحمیلی، دخالت نهادهایی چون ارتش، ممنوعیت استفاده از زبان کردی و تلاش در جهت تضعیف آن، بر علاقه‌مندی و عشق دیرینه کردها به زبان و ادبیات فارسی تأثیر منفی گذاشت.

کلان (۲۰۱۸) در پژوهش خود بیان می‌دارد که تمام جوامع به درجات متفاوت، چندزبانه هستند و تصور یک جامعه تک‌زبانه، بیشتر زاده وهم است تا واقعیت. در کنار تمدن‌های هند و آفریقا، فلات ایران شاید از درخشان‌ترین نمونه‌های تاریخی همزیستی و هم‌آمیختگی زبانی باشد که در آن تنوع زبانی می‌تواند اتحاد گویشوران را فراهم سازد.

شیخ‌الاسلامی (۲۰۱۹) با استفاده از الگوی رویز (۱۹۸۴) مسئله اقلیت‌های زبانی به‌ویژه گویشوران کرد را در ایران مورد واکاوی قرار می‌دهد و بدان باور است که نگاه مداوم به زبان به‌عنوان یک مسئله می‌تواند جامعه را به سمت یکسان‌سازی زبانی سوق دهد و حقوق زبانی گویشوران را تضییع و به‌طور مؤثر چندزبانگی را که به‌عنوان منبع و سرچشمه از آن یاد می‌شود، تضعیف نماید.

خالق‌پناه و سنائی (۱۳۹۹) براساس تحلیل گفتمان انتقادی، اسناد، قوانین و اساسنامه‌های دولتی در هر سه دوره (مشروطه، پهلوی، جمهوری اسلامی ایران) بررسی می‌کنند که در نتیجه آن، زبان فارسی به‌عنوان یکی از دال‌های اصلی گفتمان سیاست فرهنگی و زبان‌های اقلیت، به‌عنوان مسئله‌ای برای برساخت هویت ملی در هر سه دوره بازنمایی شده‌اند.

فرهنگی و نامی (۱۴۰۲) در پژوهش خود، تنوع زبانی و تأثیر آن را در زمینه آموزش به زبان مادری بررسی می‌کنند. برای این منظور ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان پیش‌دبستانی (۵-۶ سال) انتخاب شده و آزمون مهارت بسندگی زبان را با استفاده از تحلیل نمونه‌گیری زبان ((Language Sample Analysis (LSA) اجرا می‌کنند که در نهایت دانش‌آموزان دوزبانه، سطح بالاتری از خودشان نشان دادند و این پدیده، خود گواهی برای نقش مهم زبان مادری در آموزش و پرورش است.

قلی و منصفی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، جایگاه و مفهوم زبان مادری را در اسناد آموزش و پرورش و انعکاس و بازنمایی آن را در جامعه بررسی می‌کنند. در نتیجه این پژوهش مشخص می‌شود که نگرش تک‌زبانگی باعث شده است جایگاه آموزش به زبان مادری به محاق رفته و علی‌رغم برخورداری از پشتوانه نظری، علمی و الزام قانونی، در عمل اراده‌ای برای عملیاتی کردن آن وجود نداشته و در این راستا، مطالبه علمی متخصصان نیز به حاشیه رفته و به‌جای شنیده شدن نظرات تخصصی و علمی، چنین مسئله‌ای رنگ و بوی سیاسی و امنیتی به خود گرفته است.

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. تحلیل استعاره‌ها در پیوند با مسائل زبانی

اگر زبان، ابزار اصلی برای کنترل و مهار مردم باشد، از این رو، استعاره نیز ابزاری است اساسی که مردم با بهره‌گیری از آن می‌توانند، کنترل زبان را دوباره به چنگ گیرند و گفتمان بسازند. استعاره، چگونگی اندیشیدن و نیز احساسمان را پیرامون جهان بازتاب می‌دهد و درک بیشتر از استعاره مؤلفه‌ای مهم برای خردورزی است (چارتریس Charteris، ۲۰۰۴: ۲۵۲). تصورات ذهنی و فرضیه‌های نادرستی که پیرامون مسائل زبانی و سیاست‌های زبانی شکل می‌گیرد اغلب در استعاره‌های زبانی نمود می‌یابند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۴). از این رو، واکاوی استعاره‌ها، جنگ‌افزار مهمی در زرادخانه تحلیل‌گران گفتمان انتقادی است (چارتریس، ۲۰۰۴: ۸۶). واکاوی و تحلیل انتقادی استعاره، روشی برای برملا ساختن ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها و اندیشه‌های زیربنایی است و از این رو، ابزاری بنیادین برای درک بیشتر درباب پیوند میان زبان، اندیشه و بافت اجتماعی است (چارتریس، ۲۰۰۴: ۴۲). استعاره‌ها بخش مهمی از ایدئولوژی بشمار می‌آیند. آنها «چارچوب شناختی برای نگرش و جهان‌بینی» را فراهم می‌سازند. تمامی ایدئولوژی‌هایی که در برنامه‌ریزی دخیل می‌شود در استعاره‌ها پنهان شده‌اند. به گفته وداک و مایر (۲۰۰۹: ۸) ایدئولوژی، پنهان‌ترین و نهفته‌ترین باورهای روزمره‌اند که اغلب در لباس مبدل تشبیهات و استعاره‌های مفهومی، نمود می‌یابند و از این رو، توجه زبان‌شناسان را به خود جذب نموده است.

از نگاه باتیستلا (۲۰۰۵) پنج استعاره کلیدی که در پیوند با مسائل زبانی مطرح می‌شود به شرح زیر است:

- ۱- زبان همچو یک موجود زنده (living organism): هنگامی در مورد رشد یا توسعه زبان سخن می‌گوییم از این استعاره بهره می‌گیریم. برای مثال، هنگامی که می‌گوییم با این دستور زبان یا با این نوع رسم‌الخط، سعی در نابودی یا رشد زبان داریم، اگر زبان را همچو یک موجود زنده می‌پنداریم، این بدان معناست که برخی، سعی در کشتن و آسیب رساندن به آن دارند.
- ۲- زبان همچون یک کالای ارزشمند (artifact): این استعاره بر فرهنگ و منزلت اجتماعی اشاره دارد. برای مثال، استفاده از زبان استاندارد، منزلت و ارزش اجتماعی بالایی نسبت به دیگر گونه‌های غیراستاندارد ایفا می‌کند. اگر زبان استاندارد، یک کالای ارزشمند باشد، این بدان معناست که سایر گونه‌های غیراستاندارد، عاری از اعتبار و منزلت اجتماعی هستند.

- ۳- زبان همچو یک سرمایه (capital). این استعاره بر این اشاره دارد که زبان استاندارد را بایستی یک میراث و سرمایه بدانیم و در حفظ آن کوشا باشیم. اگر زبان استاندارد از سرمایه و ارزش اقتصادی برخوردار باشد، این بدان معناست که سایر گونه‌های زبانی، سرمایه نیستند و از دیدگاه اقتصادی فقیر و ضعیف هستند.
- ۴- زبان همچو یک ملت (nation): این استعاره، اتحاد جامعه را در زبان می‌بیند و زبانی غیر از این زبان را عامل جدایی و از هم گسیختگی ملت می‌داند. در واقع، اگر تک‌زبانگی را عامل اتحاد بدانیم، بدان معناست گویشوران سایر زبان‌ها را آشوبگر و متجاوز پنداشته‌ایم.
- ۵- زبان همچو یک اندیشه (thinking): این استعاره، زبان استاندارد را عامل اندیشیدن درست می‌پندارد و سایر گونه‌های غیراستاندارد را فاقد اندیشه تلقی می‌کند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۷-۱۵۴).

۳-۲. رویکرد سه‌لایه‌ای رویز

رویکرد استعاره‌ای در پاره‌ای موارد با رویکرد ریچارد رویز، همسو است. رویز زبان را به مثابه مسئله یا مشکل (Language as a Problem)، حقوق (Langauge as a Right) و منبع یا سرچشمه (Langauge as a Source) می‌داند که به منظور بررسی سیاست‌های یادگیری زبان تدوین شده است. این چهارچوب، ابزاری کارآمد برای واکاوی سیاست‌های یادگیری در زمینه زبان است که نظریه‌های گذشته و نظریه‌های نوین پیرامون آموزش دوزبانگی و یادگیری زبان‌های اقلیت همراه با زبان‌های رسمی را واکاوی می‌کند (رویز، ۱۹۸۴). این رویکرد سه‌لایه‌ای می‌تواند نظریه‌های رایج در ایران و سایر کشورها که در برابر آموزش چندزبانه با محوریت زبان مادری قد علم می‌کنند به چالش بکشد (کلان، ۲۰۱۸: ۱۹).

۳-۲-۱. زبان به مثابه مسأله

باور و تفکری که زبان را به مثابه مسئله یا مشکل می‌پندارد، نظریه‌ای است که مدام می‌گوید یک مشکل وجود دارد. برای مثال، مقوله «زبان مادری»، زمانی به یک مشکل یا مسئله تبدیل می‌شود که همواره آن را به عنوان یک مشکل ببینیم و بنگاریم. رایج‌ترین فرضیه‌ای که زبان را با استدلال‌های نادرست به عنوان مشکل می‌پندارد، مسئله ایدئولوژی «یک زبان-یک ملت» است (رویز، ۱۹۸۴).

۳-۲-۲. زبان به مثابه حقوق

حق می‌تواند از دیدگاه حقوق فردی، انسانی و قانونی یا قانون اساسی تعریف گردد. زبان به مثابه یک حق فردی شامل آزادی فرد برای صحبت کردن و حفظ زبان مورثی (heritage)

language) خویش است. زبان به‌عنوان یک حقوق بشری، انتخابی آزاد دارد همچون کسی که از باور و اعتقاد خویش، آزادانه جانب‌داری می‌کند. از این‌رو، انکار حقوق زبانی در جامعه باعث می‌شود ناعدالتی و تبعیض زبانی شکل بگیرد. گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل روی مسائل زبانی اقلیت‌ها (۲۰۱۷: ۱۶) دو اصطلاح حقوق زبان (Language Rights) و حقوق زبانی (Linguistic Rights) از دسته حقوق‌های انسانی بر می‌شمارند با این تفاوت که حقوق زبان را معمولاً گسترده‌تر از حقوق زبانی در نظر می‌گیرد؛ چراکه مسائل فرهنگی و هویتی گویشوران را در برمی‌گیرد. از دیدگاه آفاگل‌زاده (۱۳۹۴: ۳۶۰) گویشوران یک زبان برای حفاظت از فرهنگشان می‌بایست حق آموزش فرزندانشان را به آن زبان داشته باشند. این نیازها که به‌عنوان حقوق زبان شناخته شده‌اند، اشاره‌ای ضمنی به برنامه‌ریزی زبانی دارد.

۳-۲-۳. زبان به مثابه سرچشمه

زبان به‌مثابه یک منبع یا سرچشمه، جامعه زبانی را کثرت‌گرا معرفی می‌کند تا اینکه آن را جامعه‌ای تک‌بعدی بشناساند. زبان به‌مثابه یک سرچشمه، سرمایه‌ای برای یک جامعه است و در ساختن پل‌های اقتصادی و اجتماعی در جوامع مختلف مفید و سودمند است و می‌تواند راهی برای زدودن تنش‌های ناشی از بحث در مورد زبان به‌مثابه یک مسئله و یا به‌مثابه یک حق تلقی گردد. زبان به‌مثابه سرچشمه به افراد و گروه‌ها اجازه می‌دهد که نقش چشمگیری در سیاست‌ها و اقتصاد جهانی ایفا نمایند. هدف از این رویکرد، حفظ زبان‌های موروثی است و مدارا و رواداری اجتماعی (social tolerance) بین گروه‌ها را تقویت می‌کند. این نگرش رشد اقتصادی، تجاری و سیاسی، فرهنگی، معنوی و آموزشی را پرورش می‌دهند (رویز، ۱۹۸۴).

۴. تحلیل و بررسی داده‌ها

در پژوهش حاضر، نخست عناوین و جملات منتخب از متون مطبوعاتی را استخراج نموده و با ذکر نام و تاریخ دقیق آن‌ها، هر یک از آن‌ها را بر اساس دسته‌بندی انواع استعاره‌هایی که در رویکرد باتیستلا و رویز بیان شده است مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. پس از تحلیل کیفی به بررسی تحلیل کمی داده‌ها می‌پردازیم تا شمار و نوع آن‌ها را بر اساس جدول و نمودار آماری به‌صورت دقیق مورد ارزیابی قرار دهیم.

۴-۱. زبان همچو کالای ارزشمند

«بخشنامه آموزش و پرورش شهرستان سقز، شماره: ۶۲۵/۳۹۰۵۳/۳۰۰ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۸۹»
 جملات متن (۱): جهت حفظ حقوق همکاران و دانش‌آموزان به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که جلسات به زبان ملی برگزار شوند.

«خبرگزاری فارس، کد خبر: ۵۳۶۷۷۸۰، ۱۸ آذر ۱۴۰۰»
 جملات متن (۲): از زاویه زبان‌شناختی تاریخی می‌توان گفت زبان فارسی، زبان مادری و فرهنگی و تاریخی همه ایرانیان است.

«همشهری، کد خبر: ۱۵۰۷۰۱، ۳۰ دی ۱۴۰۰»
 جملات متن (۳): تنها زبان کلاسیک زنده دنیا، فارسی است.
 «باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۸۹۲۵۳۸۸، ۲۱ اسفند، ۱۳۹۷».

جملات متن (۴): زبان فارسی می‌تواند با شکسپیر، کشتی بگیرد. لهجه‌های دیگر وقتی خیلی بزرگ شوند، چهار (در نهایت) تا داستان و دو شعر بندتنبانی از آن به وجود می‌آید.
 «اطلاعات: شماره، ۶۰۸۶، سه‌شنبه ۳۰ خرداد، ۱۳۲۵»

جملات متن (۵): زبان کردی یکی از لهجه‌های محلی زبان فارسی است.
 «اسناد ساواک، شماره: ۴۷۳۶۱۹، شنبه ۲ دی ۱۳۵۷»
 جملات متن (۶): ممنوعیت چاپ و انتشار کتب به لهجه‌های کردی و آذری.

«پسنا، کد خبر: ۲۴۹۱۳، ۱۵ اردیبهشت، ۱۳۹۲»
 جملات متن (۷): لهجه شیرازی، یکی از شیرین‌ترین لهجه‌های رایج در ایران به شمار می‌رود و گاه برخی به دلیل ندانستن کامل آن، تنها به‌وقت طنز به‌کارش می‌برند.

جملات مذکور همگی به اعتبار و منزلت اجتماعی زبان فارسی اشاره دارند که این زبان، ارزش اجتماعی بالایی نسبت به دیگر گونه‌های زبانی ایفا می‌کند. این نگرش استعاره‌گونه بدان معناست که سایر گونه‌های زبانی بدون اعتبار و منزلت اجتماعی هستند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۴). اگر هرم نظام جهانی زبان سوان (De swaan's global-language-system pyramid) را بررسی کنیم در این هرم، زبان‌های حاشیه‌ای، زبان مرکزی (زبان یک دولت) قرار دارد. زبان‌های حاشیه‌ای به‌ناچار بایستی زبان مرکزی را فرابگیرند که در رأس هرم قرار دارد. این نظام هرمی، نشانگر سلسله‌مراتب زبانی و شأن و ارزش آن‌ها است. زبانی همچون زبان‌های حاشیه‌ای که وارد عرصه آموزش نشود، از اعتبار و پرستیژ، تهی می‌گردد و زبان‌هایی که در رأس هرم قرار دارند از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار هستند (پیلر، ۲۰۱۶: ۱۵-۱۴).

در جملات متن (۱) که به حفظ حقوق برخی از گویشوران بومی در سقز اشاره دارد، چنین حقوقی با زبان فارسی محقق نمی‌شود؛ زیرا به باور رویز، زبان به‌مثابه یک حق فردی، شامل آزادی فرد برای صحبت کردن و حفظ زبان موروثی است. زبان به‌عنوان یکی از

حق‌های بشر، انتخابی آزاد است؛ درست مثل کسی که از باور و اعتقاد خویش آزادانه، دفاع و جانب‌داری می‌کند. از این‌رو، انکار حقوق زبانی در جامعه باعث می‌شود ناعدالتی و نابرابری شکل بگیرد. اصطلاح «حقوق زبانی بشر» (Linguistic Human Rights (LHRs) از دسته حقوق انسانی است که تنها با زبان نخست معنی پیدا می‌کند. کسانی که «تبعیض زبانی» (linguistic discrimination / linguism) را نمی‌پذیرند، هیچ‌گاه تبعیض‌های نژادی، اتنیکی، جنسیتی و... را نخواهند پذیرفت. تمامی آموزش‌ها به زبانی غیر از زبان نخست، پدیده‌ای امپریالیستی است؛ حتی اگر انگیزه آموزش‌دهنده این باشد که به دانش‌آموز کمک کند تا از فقر، بیرون بیاید و به فرصت‌های شغلی برابر دست یابد. از این‌رو تا زمانی که با همه زبان‌ها به‌طور مساوی رفتار نشود، همه مراکز آموزشی، به تبعیض زبانی متهم‌اند (فیلیپسون Phillipson، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۶).

در جملات متن (۲) زبان نخست (به قولی زبان مادری) تمام ایرانیان را فارسی دانسته است که بیشتر ریشه در ایدئولوژی‌های سیاسی دارد. از دیدگاه زبان‌شناسان، نزدیک به سیصد گونه زبانی در ایران موجود است که برخی از آن‌ها نظیر عربی و ترکی جز دسته زبان‌های هندواروپایی نیستند و از شاخه زبان‌های ایرانی محسوب نمی‌شوند (صفوی، ۱۳۹۸: ۱۰-۹). افزون بر آن، اصطلاح «زبان مادری» یک نوع استعاره است که هاله‌ای از تقدس به خود گرفته است و در علم زبان‌شناسی به‌جای این اصطلاح از «زبان نخست» (first language) استفاده می‌کنند.

وجود اصطلاحاتی نظیر «زبان تاریخی»، «زبان معیار» یا «زبان استاندارد» (standard language)، «common language»، «زبان ملی» (national language)، «زبان رسمی» (official language) اساساً در تمام سطوح از دیدگاه زبان‌شناسی، افسانه‌ای بیش نیستند. یکسان‌سازی زبانی یا همگن‌سازی زبان‌ها با عناوین مذکور؛ به معنای به حاشیه‌راندن تنوعات زبانی و تهی کردن زبان‌ها از ویژگی‌های فرهنگی‌شان است که آسیب‌های مخرب و زیان‌باری به خزانه فرهنگی وارد می‌سازند. ذکر چنین نام‌هایی، فی‌نفسه باعث امتیازدادن ارزش‌دادن به زبان‌های غالب می‌شود و سایر زبان‌ها را از پرستیژ و اعتبار ساقط می‌سازد. به گفته کامرون این اصطلاحات بر پایه سرکوب تنوع‌های زبانی بنا نهاده شده است (کامرون، ۲۰۱۲: ۱۶۱). این نوع اصطلاحات در خدمت انباشته‌ای از منافع طبقاتی است که از لحاظ اقتصادی و سیاسی بر سایرین اشراف دارند و گویششان همچون گونه معیار برگزیده شده، درحالی‌که گویش‌های سایر مردم کشور تا سطح بوم‌گویش و لهجه محلی و مادری فروکاسته شده‌اند.

در جملات متن (۳) چنین مطرح می‌شود که زبان فارسی تنها زبان کلاسیک زنده دنیا است که این نوع نگرش نیز در علم زبان‌شناسی هیچ جایگاهی ندارد؛ چراکه زبان‌های کلاسیکی نظیر لاتین، هنوز زنده است و حضور این زبان در واتیکان، در رادیو، اینترنت، کتاب و فیلم‌های امروزی، مراسم مختلف و حتی در کلاس‌های دبستان مشهود است و حتی فرهنگ‌نویسان نیز واژه‌های لاتینی جدیدی می‌سازند تا ارتباط این زبان را با دنیای مدرن حفظ کنند (ریکرسون و هیلتون Rickerson & Hilton, ۲۰۰۶: ۲۴۲-۲۴۱). همچنین یونانی در یونان هنوز هم گویشور دارد، سانسکریت نیز در هند تدریس می‌شود و دارای گویشور است و زبان‌هایی که در بستر زاگرس هستند همگی زنده و دارای گویشور هستند. در مجموع، چنین ارزش‌گذاری‌هایی در علم زبان‌شناسی، فاقد اعتبارند و چنین نگرش‌هایی با ایدئولوژی‌های ملی‌گرایی تلفیق شده است که مدام بر تحسین از کشور، تاریخ و سنت‌های آن تأکید می‌ورزند؛ به‌گونه‌ای که وندایک (van Dijk, ۲۰۰۶: ۷۸) از آن به‌عنوان خودستایی ملی (self-glorification) نام می‌برد.

در جملات متن (۴) عبارت «کشتی‌گرفتن» با زبان به‌گونه‌ای بیان شده است که در ذهن مخاطب «تنومندبودن» یا «قوی و ضعیف‌بودن» را تداعی می‌کند و در اذهان، چنین تصویری را ایجاد می‌کند که گویا قرار است با زبان در یک نبرد تن‌به‌تن روبه‌رو شویم؛ اما اگر با نگاهی علمی به زبان‌ها بنگریم، درخواستیم یافت که تمامی زبان‌ها در خلق انواع متون، هر یک در ساختار خود، پتانسیل‌های یکسانی دارند. برای مثال زبان‌ها در فرایندهای ساخت‌واژه، یا از «ترکیب compounding» و «اشتقاق derivation» بهره می‌گیرند و یا سایر فرایندهای فرعی واژه‌سازی نظیر «نوواژه neologism» یا واژه جدید، «ابداع واژه invention»، «وام‌گیری borrowing» و «سرنام acronym»، «کوتاه‌سازی shortening» و «برش clipping»، «پس‌سازی backformation»، «بازتحلیل reanalysis»، «تبدیل conversion»، «آمیزش blending» به‌کار می‌گیرند. به دیگر سخن، گاه از ترکیب بهره می‌گیرند و گاه اشتقاق و در پاره‌ای از موارد به سایر فرایندهای ساخت‌واژه روی می‌آورند. تمامی گونه‌های زبانی، ابزارهایی در اختیار دارند که می‌توانند انواع متون را تولید کنند و در تمامی زبان‌ها مفاهیم انتزاعی، پیش‌انگاشت‌ها و تلویحات (presupposition and implicature) وجود دارند. پس با این حساب، ذکر چنین ارزش‌گذاری‌هایی که فلان گونه زبانی، قوی یا فقیر است؛ ناشی از ناآگاهی زبانی یا تیره‌اندیشی نسبت به زبان‌ها است. به گفته جوناپولی و شون‌فلد (Jo Napoli & Schoenfeld, ۲۰۱۰: ۱۱۸) تمامی زبان‌ها از ارزش همسانی برخوردار هستند و هر یک در نوع خود نظام‌مندند که از اصول همگانی

خاصی پیروی می‌کنند. در پاره‌ای از موارد، ممکن است، این نوع سخنان بدون غرض بیان شده باشد یا به دلیل عدم آگاهی نسبت به مفاهیم زبانی باشد؛ اما زمانی که متون مطبوعات این مطالب را نشر می‌دهند، به پیش‌داوری‌ها و کلیشه‌های زبانی مشروعیت می‌دهند؛ زیرا نشر این مطالب صرفاً هدف قرار دادن خود زبان نیست؛ بلکه گویشوران زبان‌ها را مورد هدف قرار می‌دهد که به ارزش‌گذاری آن‌ها دامن می‌زند.

در جملات متن (۴) و (۵) و (۶) که در آن‌ها یکی از لهجه‌ها و زبان‌های دیگر مانند کُردی با نام «لهجه» یا لهجه‌ای از فارسی معرفی شده است، می‌توان گفت چنین تصویری از دیدگاه زبان‌شناسی در مورد تعریف «لهجه» نادرست است؛ زیرا لهجه در سطح آوایی مطرح می‌شود و از دیدگاه یول (Yule) (۲۰۱۰: ۲۴۰)، اصطلاح لهجه به وجوه تلفظی گویشوران اشاره دارد و نباید آن را با «زبان» خلط نمود.

در جملات متن (۷) لهجه شیرازی را (شیرین‌ترین) لهجه، معرفی نموده است که در استعاره «زبان همچو کالای ارزشمند» نمود می‌یابد. این نوع استعاره‌ها زمانی بیان می‌شود که یک گویشور به زبان‌های غیر از زبان خود چنین بگوید: «چقدر لهجه زشتی داری»، «لهجه تو شیرین است»، «چقدر لهجه‌ات بامزه است» «لهجه او مسخره است» و... این اصطلاحات وقتی از راه مطبوعات نشر داده می‌شود به این معناست که لهجه فرد غیرعادی و نشاندار بازنمایی شده است. ویلیام لباو در کتاب «منطق زبان‌های انگلیسی غیراستاندارد و نشاندار بازنمایی شده است. The Logic of Nonstandard English» به این پدیده اشاره می‌کند که تنوع زبان‌ها، حقیقت طبیعی در زندگی بشری هستند و استانداردبودن و غیراستاندارد بودن لهجه‌های یک زبان، از دیدگاه علمی، امری منسوخ است. تصور برتری یک لهجه بر سایر لهجه‌ها، ریشه در ناآگاهی‌های زبان‌شناختی دارد و برخاسته از نگرش‌های خودمحورانه است (محمدی، ۲۰۲۳: ۴۳).

۴-۲. زبان همچو یک سرمایه

«خبرگزاری دانشجو، کد خبر: ۵۵۹۶۴۲، ۲۱ آبان ۱۳۹۵»

جملات متن (۸): زبان فارسی سرمایه و میراث بزرگ ملی ماست.

«عصر ایران، کد خبر ۳۱۷۲۵۳، ۷ بهمن ۱۳۹۲»

جملات متن (۹): ما زبان معیاری داریم که زبان ملی، رسمی و سرمایه ما است.

«باشگاه خبرگزاری جوان، کد خبر: ۸۰۵۲۷۲۸، ۱۷ بهمن ۱۴۰۰»

جملات متن (۱۰): آن‌ها با برنامه «رنج اقلیت‌های زبانی در ایران» علیه زبان فارسی که میراث مشترک صدها میلیون نفر است درافتاده‌اند.

عباراتی نظیر «سرمایه»، «میراث» که با اصطلاح زبان ملی و معیار همراه می‌شوند ریشه در استعاره «زبان همچو سرمایه» دارند؛ یعنی در این صورت اگر زبان استاندارد از سرمایه و ارزش اقتصادی برخوردار باشد، این بدان معناست که سایر گونه‌های زبانی به‌عنوان سرمایه تلقی نمی‌شوند و از دیدگاه اقتصادی فقیر و ضعیف هستند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۴). چنین تفکری که تنها یک زبان را به‌عنوان سرمایه می‌داند، ریشه در ایدئولوژی‌های نئولیبرالیسمی دارد که با کالاسازی زبان، آن را برای سرمایه اقتصادی، ابزاری می‌کند و در بازار زبانی به گویشوران چنین القا می‌کند که زبان معیار یک کالای زبانی ارزشمند است و معیاربودن تنها صورت زبانی است که نیازهای گویشوران در جامعه را فراهم می‌آورد. این گفتمان هژمونیک بر زندگی گویشوران سایه می‌اندازد و دستیابی به شغل و درآمد‌های بالا را با این زبان تبلیغ می‌کند. گویشوران نیز در دوران نئولیبرالی زندگی می‌کنند و به‌ناچار این ایدئولوژی تک‌زبانگی را می‌پذیرند که جایگزین نگرش‌های پاسا سرمایه‌داری است؛ یعنی این پدیده با زور بر گویشوران تحمیل نمی‌شود بلکه با رضایت و هژمونی بر آن‌ها تحمیل می‌شود. در این حالت رویز تأکید می‌کند تنوع زبانی را با ارائه استدلال‌های مثبت برای مقاصد اقتصادی پیش ببریم (رویز، ۲۰۱۰: ۱۶۲-۱۶۰) و شماری از پژوهشگران، راه‌هایی را شناسایی و پیشنهاد نموده‌اند که در آن زبان‌ها در مجموع به‌عنوان منابع و سرمایه می‌توانند فراتر از منابع و سرمایه‌های نظامی، صنعتی و اقتصادی پیش بروند.

۳-۴. زبان همچو یک ملت

«مشروح مذاکرات مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، جلد دوم، ۱۳۶۴»
 جملات متن (۱۱): یک حلقه اتصالی برای حفظ وحدت ملی در مملکت لازم داریم. اگر بنا شود که در هر منطقه‌ای کتاب‌های درسی به زبان آن منطقه تنظیم شود، از هم فاصله می‌گیریم؛ بنابراین وحدت ملی متزلزل می‌شود.
 «عصر ایران، کد خبر: ۳۱۷۲۵۳، ۷ بهمن ۱۳۹۲»
 جملات متن (۱۲): تحصیل با زبان آن قوم بسیار خطرناک است و از آن بوی توطئه می‌آید و خلاف امنیت ملی است.
 «خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۱۰۵۱۵۴۸، ۵ اسفند ۱۳۹۲»
 «سایت خبری-تحلیلی آذری‌ها، ۵ اسفند ۱۳۹۳»
 جملات متن (۱۳): طرح موضوع آموزش زبان‌های محلی در مدارس ایران یک مرحله از مراحل پروژه تجزیه ایران است.

جملات ذکرشده حاوی عبارت‌هایی نظیر: «وحدت ملی»، «بوی توطئه»، «موضوع خطرناک»، «خلاف امنیت ملی» است که همگی در استعاره «زبان همچو ملت» بازنمایی می‌شوند. وقتی تدریس زبان‌های غیرفارسی در مدارس، خلاف امنیت ملی و خطرناک

دانسته می‌شود، استعاره «زبان به‌مثابه ملت و دولت» در اذهان تجسم می‌شود که از این دیدگاه، تنها عامل یکپارچگی ملت با یک زبان خاص تحقق می‌یابد و از این جهت، مابقی زبان‌ها متجاوزگر نام می‌گیرند. در این نگرش، استعاره «اسطوره تفرقه‌اندار Myth of divisiveness» مدام به اذهان مردم القا می‌شود که اختلافات زبانی جامعه را چندپاره و به‌سوی تجزیه‌طلبی سوق می‌دهد.

به دیگر سخن، چنین تصویری بر این باور بنیاد نهاده شده است که گویشور نمی‌تواند همزمان هم به ارزش‌های ملی خود وفادار بماند و هم پایبند به حفظ تنوع زبانی باشد و نیز بر این فرض استوار است که زبانی که فرد بدان تکلم می‌کند، بر وفاداریش به ارزش‌های ملی چیره و غالب می‌گردد؛ اما این فرضیه سست‌بنیاد به تصورات نادرست از ماهیت زبان می‌انجامد؛ زیرا جوامع زبانی در تمامی کشورهای دنیا، به‌صورت چندزبانه است. برای مثال، اگر به کشورهایی نظیر سوئیس نگاه کنیم؛ الگویی‌هایی را ارائه می‌دهند که در آن گونه‌های زبانی و فرهنگ‌های مختلف می‌توانند زیر لوای یک پرچم مشترک و فرهنگ ملی واحد قرار بگیرند و یکپارچه بمانند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۳-۱۵۰). در الگوی سه‌لایه‌ای رویز نیز، هدف چنین سیاست‌هایی محدود کردن یا حذف کامل چندزبانگی به نفع زبان غالب است (رویز، ۲۰۱۰: ۱۶۶).

به دیگر سخن، این تصوّر که یک زبان خاص را عامل اتحاد یک ملت می‌داند، استعاره «زبان به‌مثابه ملت» را در ذهن خود تداعی نموده است. درحالی‌که جوامع تک‌زبانه وجود ندارد برای نمونه کشور هند با بیش از (۳۷۸) زبان، مکزیک (۲۸۸)، کامرون (۲۷۹)، کنگو (۲۱۸)، چین (۲۰۱)، برزیل (۱۹۲)، آمریکا (۱۷۶)، سودان (۱۷۴)، فیلیپین (۱۶۹)، مالزی (۱۳۹)، نپال (۱۲۰)، کانادا (۹۰)، کلمبیا (۷۸)، ساحل عاج (۷۷)، فرانسه (۲۹)، آلمان (۲۵)، ایتالیا (۳۳)، بریتانیا (۱۲)، سوئیس (۱۲)، پاراگوئه (۲۰) و... وجود دارد. اسپالسکی (Spolsky، ۲۰۰۴: ۱۷۴) و بر اساس آمار ارائه شده سایت معتبر اتنولوگ (Ethnologue)، پاپوآ گینه نو، کشوری مشترک‌المنافع است که در اقیانوس آرام، قاره اقیانوسیه و گینه‌نو قرار دارد، از هشتصدوچهل زبان زنده دنیا برخوردار است که بیش از دو برابر تعداد زبان‌های موجود در قاره اروپا است. همچنین، اندونزی با داشتن ۷۱۰ زبان و نیجریه با ۵۲۴ زبان زنده دنیا، در جایگاه‌های دوم و سوم رتبه‌بندی کشورهایی که متنوع‌ترین زبان را دارند، قرار گرفتند و این، نشان از آن دارد که کنشگرانی که زبان را به‌مثابه یک ملت در نظر می‌گیرند، تصورات نادرستی در مورد تنوع زبانی دارند؛ زیرا احساس می‌کنند که اگر یک تنوع زبانی در یک کشور وجود داشته باشد، باعث‌وبانی از هم‌پاشیدگی و تجزیه جامعه

می‌شود؛ در حالی که به رسمیت شناختن بیش از یک زبان و مشارکت تمامی زبان‌ها در عرصه‌های مختلف، باعث همبستگی و اتحاد ملی می‌شود؛ چراکه ملّتی که خود را با یک زبان خاص معرفی می‌کند و عامل اتحاد خود را در یک زبان خاص می‌بیند، نگاهی تمامیت‌خواهانه و انحصارطلبانه دارد که به نفع جریان‌های غالب و فرادست در جامعه است و سایر زبان‌ها را به حاشیه می‌راند.

نمونه زیر به نپذیرفتن یک زبان در جامعه اشاره دارد که بستر تنش و نزاع زبانی (language conflict) را فراهم آورد:

«فرتاب، کد خبر: ۱۱۷۸۰۳۱، مرداد ۱۴۰۰»

جملات متن (۱۴): پاک کردن و برداشتن تابلوهای کُردی از دانشگاه کردستان و پژوهشکده کردستان‌شناسی در سنندج، توسط عده‌ای در تعطیلات این دانشگاه، بازتاب گسترده‌ای در میان دانشگاهیان و شبکه‌های اجتماعی داشته است.

در جملات متن (۱۴) علت حذف نوشته‌های زبان‌های غیرفارسی استعاره «زبان همچو ملت» است که این پدیده موجب مقاومت گویشوران زبان‌های دیگر می‌شود و باعث از هم گسیختگی جامعه می‌گردد و در نهایت تحمّل و مدارای اجتماعی را میان گویشوران از میان می‌برد تا جایی که از حس تعلق ملی گویشوران می‌کاهد و منجر به نزاع‌های زبانی می‌شود. نمونه‌های آن در جهان بسیار به چشم می‌خورد. برای مثال سلیگ هریسون (Selig Harrison) در مورد «دهه‌های خطرناک» هشدار داد که هند به دلیل نزاع‌هایش بر سر زبان، گرفتار خواهد شد (هریسون، ۱۹۵۷). نزاع‌های زبانی در بلژیک، بنگلادش، کبک و کاتالونیا، نمونه‌های دیگری هستند که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود.

«استعاره زبان همچو ملت» نخستین‌بار در بحث «سیاست زبانی» از سوی عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار و در روزنامه اطلاعات (۱۳۲۴) برای برجسته‌سازی زبان فارسی و به حاشیه‌راندن زبان‌های غیرفارسی مطرح شد. به متن زیر دقت نمایید:

«مجله یادگار، شماره ۶۰۳، ۱۳۲۴ و روزنامه اطلاعات، شماره ۵۹۷۰، ۹ بهمن ۱۳۲۴»

جملات متن (۱۵): اگر مملکت ما بخواهد زنده بماند و در میدان مبارزه سیاست زبان لااقل از خود دفاع کند، به ناچار باید یک سیاست زبانی داشته باشد و برای این کار نقشه‌ای معقول طرح نماید و آن را با عزمی جزم توأم با تدبیر و حزم مجری دارد تا در این میدان مغلوب نگردد چه اگر خدای ناخواسته در این مرحله شکست یافت و در ایران زبانی دیگر بر فارسی غالب شد، فاتحه ایران و ایرانی خوانده شده است.

در متن مذکور، اقبال آشتیانی عامل انسجام و اتحاد ایران را در یک زبان خاص آن‌هم زبان فارسی می‌داند و از دیدگاه وی اگر زبانی غیر از زبان فارسی در ایران غالب می‌شد،

در این صورت نظم و انسجام ایران از بین می‌رفت. این همان استعارهٔ زبان به‌مثابهٔ ملت است. در این متن، منظور از سیاست زبانی همان برنامه‌ریزی زبانی است که اقبال آشتیانی نخستین بار این موضوع را در ایران مطرح نمود. به دیگر سخن، از برنامه‌ریزی زبانی گاه با عنوان «سیاست زبانی» یاد می‌شود. در راستای سیاست‌های زبانی که در متن مذکور مشخص است، آشتیانی به‌صراحت اعلام نموده است که اگر زبانی غیر از زبان فارسی بر این سرزمین غالب شود، فاتحهٔ ایران و ایرانی خوانده می‌شود. خلق چنین استعاره‌هایی که در ذهن شکل می‌گیرد به‌مثابهٔ آن است که تنها زبانی که گویشوران این کشور را به هم متصل می‌کند، فارسی است و سایر زبان‌های غیرفارسی آشوبگر و متجاوزگر تلقی می‌شوند. درحالی‌که چنین تصویری در مورد زبان‌ها نادرست و بی‌مورد است.

۴-۴. زبان همچون یک اندیشه

«خبرگزاری مهر، کد خبر ۴۶۳۲۰۵۴، ۱۰ مهر ۱۳۹۸»

جملات (۱۶): کودکان باهوش به دلیل ناآشنایی با زبان فارسی و به خاطر اینکه نمی‌توانستند به این زبان خوب صحبت کنند، در کلاس اول ابتدایی با چالش بزرگی در یادگیری مواجه بودند.
جملات (۱۷): اگر دانش‌آموزان ۲ زبانه شناسایی نشوند و آموزش نبینند بعد از چند سال مدرسه را رها می‌کنند.

جملات (۱۸): زبان معیار عامل موفقیت و پیشرفت دانش‌آموزان است.

جملات (۱۹): طرح بستندگی زبان فارسی در راستای عدالت آموزشی است و جلوگیری از زدن برچسب دیرآموز به دانش‌آموزان مناطق دوزبانه است.

در جملات مذکور واژه‌های «باهوش»، «دیرآموز» در استعارهٔ زبان همچو یک اندیشه، بازنمود می‌یابند (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۴)؛ یعنی کسانی که با زبانی غیر از زبان معیار آموزش می‌بینند، از لحاظ اندیشه و بهرهٔ هوشی و توانایی یادگیری، ضعیف و ناکارآمد عمل می‌کنند. این سخنان نه‌تنها بنیادی علمی ندارد؛ بلکه به قول رویز مشکل اینجاست که چنین تصویری زبان نخست را همچو یک مسئله می‌پندارد (رویز، ۱۹۸۴).

همچنین در جملات (۱۷) که در متن آمده است، دوزبانی را عامل نقصان فکری و اندیشه دانسته است که باعث می‌شود دانش‌آموز مدرسه را رها کند و یا به عبارتی ترک تحصیل کند. اگر به پژوهش‌های زبان‌شناسی در این مورد بپردازیم، درخواهیم یافت که چنین استعاره‌هایی که دوزبانی را عامل نقصان فکری و اندیشه می‌داند، از بیخ‌وبنیاد غیرعلمی و بر پایهٔ تصوّرات و فرضیه‌های نادرست بنیاد نهاده شده است. برای مثال از دیدگاه بیالیستوک (Bialystok) و دیگران (۲۰۰۵)، گویشورانی که دوزبانه یا چندزبانه

هستند، توانایی و مهارت بسیاری از خود نشان می‌دهند و در حل مسئله، رشد شناختی و شکوفایی ذهنی بالاتری دارند و نیز بیماری‌های آلزایمر در آن‌ها به‌ندرت دیده می‌شود. در جمله (۱۸) که زبان معیار را عامل پیشرفت دانش‌آموز می‌داند و نظام آموزشی تک‌زبانه را ترویج می‌دهد، همان استعاره زبان همچو اندیشه است که می‌گوید: تنها زبانی که باعث رشد ذهنی و پیشرفت کودک می‌شود همان زبان معیار است. باتیستلا (۲۰۰۵: ۱۵۴) پیرامون این موضوع با زبانی طنزآلود می‌گوید: در پزشکی، نسخه‌ها کارکردی مشخص دارند که برای بهبود یک بیماری یا تسکین علائم مریضی تجویز می‌شوند. معنی استعاری پزشکی آن در زبان از این منظر شفاف و روشن است؛ یعنی برخی افراد، زبان استاندارد را نشانه سلامت زبانی می‌دانند و تنوع زبانی را همچو یک مریضی و عفونت استعاری (Metaphorical infection) می‌پندارند. با این وصف چنین تصوّراتی پیرامون زبان‌ها نه‌تنها نادرست است؛ بلکه از لحاظ زبان‌شناسی، پیامدهای زیان‌بار و مخربی به همراه دارد.

۴-۵. زبان همچون یک موجود زنده

«شورای عالی انقلاب فرهنگی، کد خبر: ۱۴۸۵۳، ۲۰ مهر ۱۳۹۹»

جملات متن (۱۹): من نگران زبان فارسی هستم. باید مانند موجود زنده از آن مراقبت و نگهداری شود.

«مناظره انتخابات ریاست جمهوری ایران در صداوسیما، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۶»

جملات متن (۲۰): خدا زبان کردی را آزاد کرد.

«خبرگزاری فارس، کد خبر: ۵۳۶۷۷۸۰، ۱۸ آذر ۱۴۰۰»

جملات متن (۲۱): نباید قانونی تدوین کنیم که به تضعیف زبان ملی منجر شود.

«خبرگزاری برنا، کد خبر: ۲۷۶۹۰۶، ۲۳ فروردین ۱۳۹۴»

جملات متن (۲۲): استفاده از واژگان بیگانه تهدیدی برای زبان فارسی است.

چنین جملاتی که از «تهدید زبان»، «نگرانی در مورد زبان»، «لطمه‌زدن به زبان»، «تضعیف زبان»، «آزادکردن زبان» و... سخن می‌گوید، استعاره‌هایی هستند که زبان را همچو یک موجود زنده می‌پندارند که هر لحظه از سوی این عوامل در حال تهدید و کشتن و نابودی است (باتیستلا، ۲۰۰۵: ۱۵۴). زبان یک موجود زنده نیست که افرادی علیه آن کودتا کنند و آن را نابود و تضعیف سازند. چنین پدیده‌ای نه‌تنها توسل به احساس است؛ بلکه یک «هراس اخلاقی» (moral panic) را ترویج می‌دهد تا در گفتمان عمومی به موضوعی مهم بدل شود و چنان با نگرانی و هشدار پیرامون آن مسئله بحث می‌شود که گویی مصیبتی بزرگ در راه است. چنین هراسی پیرامون زبان از راه رسانه‌ها و مطبوعات بر ساخته می‌شود (کامرون، ۲۰۱۲: ۸۶-۸۵). به باور لیکاف، نگرانی و هشدارهایی از این دست که در مورد تحولات زبانی تجویز می‌شود؛ بی‌اساس است و از این جهت بایستی

گویشوران زبان را تنها بگذاریم (لیکاف، ۲۹۸: ۱۹۹۰). به گفته رابرت هال (Robert Hall) (۱۹۶۰) «بگذارید زبانتان تنها بماند» Leave Your Language Alone؛ زیرا زبان به نگهبان نیازی ندارد.

در جمله متن (۲۲) واژه‌های بیگانه را تهدیدی برای زبان فارسی پنداشته است که در راستای سره‌گرایی زبانی یا حمایت‌گرایی زبانی (Linguistic protectionism) بیان شده است؛ یعنی اقدامی تجویزی برای زدودن و حذف واژه‌های بیگانه است؛ اما وام‌واژه‌ها یا کلمات بیگانه امری طبیعی در زبان‌اند و پویایی هر زبانی با بده‌بستان و دادوستدی است که آن زبان با سایر زبان‌ها دارد و از این جهت نمی‌توان این واژه‌ها را تهدیدی برای زبان‌های دیگر دانست.

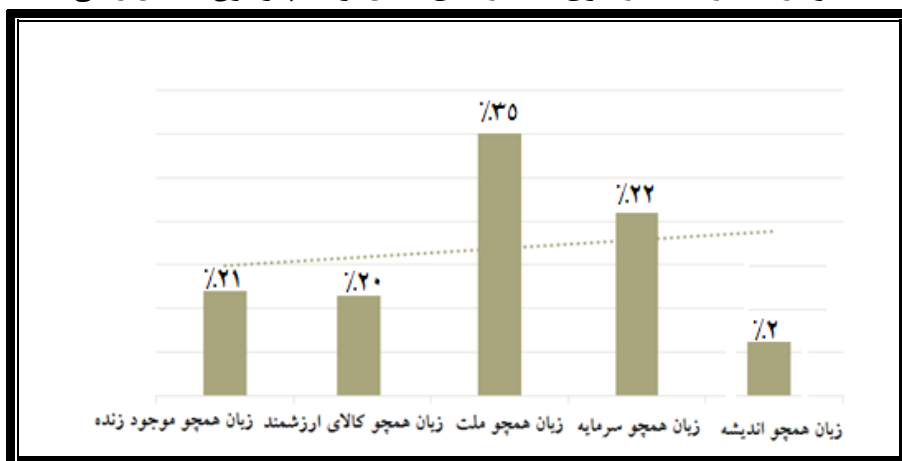
۴-۶. تحلیل کمی داده‌ها

در جدول و نمودار (۱) با توجه به تحلیل متون، می‌توان درصد استعاره‌های شکل گرفته پیرامون زبان‌ها را در اذهان کنشگران اجتماعی نشان می‌دهد:

جدول ۱: فراوانی مؤلفه‌های پوشیده و صریح متون در روزنامه‌ها

انواع استعاره‌ها	بازنمایی در متون مطبوعاتی
زبان همچو ملت	۱۲۱
زبان همچو اندیشه	۲۵
زبان همچو سرمایه	۷۹
زبان همچو کالای ارزشمند	۳۰
زبان همچو موجود زنده	۴۵

نمودار (۱) درصد بکارگیری استعاره‌های شکل گرفته پیرامون مسائل زبانی



همان‌طور که در جدول و نمودار (۱) مشخص است، میزان درصد استعاره «زبان همچو ملت» بیشترین بازنمایی را از خود نشان داده است و این استعاره در چهارچوب فکری رویز، زبان‌های فرودست‌شده را یک مسئله و مشکل فرض می‌کند و نیز در الگوی باتیستلا این استعاره کلیشه‌ای به ما می‌گوید اگر وفاداری خود را به زبان معیار نشان ندهیم، رشته‌های پیوند میان گویشوران در جامعه از هم خواهد گسیخت و غیرازاین زبان، سایر زبان‌ها اتحاد گویشوران در یک کشور را از میان خواهد برد. چنین استدلالی که مدام تک‌زبانگی یا زبان مشترک را تکرار می‌کند، خود نوعی مبارزه علیه زبان‌ها است. چنین تصویری از زبان‌ها نه تنها بی‌پایه و سست‌بنیاد است؛ بلکه تنوع زبانی، همچو «خیری اجتماعی Social good» است که بستر و مشارکت گویشوران را در گفتمان عمومی فراهم می‌سازد (کامرون، ۲۰۱۲: ۲۵-۲۳)؛ اما ترویج تک‌زبانگی بر پایه سرکوب تنوع زبان‌ها بنا می‌شود که به گفته چنین رؤیایی، تمامیت‌خواهانه و امپریالیستی است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های این پژوهش می‌توان گفت که استعاره «زبان به‌مثابه ملت» بیشترین درصد را به‌خود اختصاص داده بود. این نوع استعاره، طبق نظر رویز، زبان‌ها را یک مشکل می‌پندارد؛ در حالی که وجود هیچ زبانی برای دیگر زبان‌ها مشکل‌ساز نیست. جهت‌گیری «زبان به‌عنوان مشکل» از نگرش تک‌زبانگی و ذهنیت همسان‌گرایانه ناشی می‌شود که وجود هرگونه زبان به‌غیراز تک‌زبانگی را مسئله و مشکل می‌داند و زبان سایر گویشوران به‌عنوان یک دارایی تلقی نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان یک ناتوانی در نظر گرفته می‌شود که باید بر آن غلبه کرد و در نهایت پنداشتن این ناتوانی مانع دسترسی آن‌ها به حوزه‌های کلیدی مانند آموزش می‌شود. روی‌هم‌رفته، در این دیدگاه، وجود هر زبانی به‌جز زبان واحد، تهدیدی برای وحدت ملی می‌داند و در چنین گفتمانی، مردم با «عقل سلیم» بمباران می‌شوند که گویا تنوع زبانی، منجر به تجزیه و از هم‌گسیختگی آن‌ها خواهد شد که این نوع نگرش بی‌پایه و اساس است.

استعاره مذکور که زبان را ابزاری برای ملت‌سازی می‌داند ریشه در نگرش‌های سنتی و قرون‌وسطایی دارد که در آن دوران، یکی از معیارهایی که اغلب برای تشکیل ملت و یا دولت به گوش می‌رسید، زبان مشترک بود و در قرن نوزدهم، زبان به‌عنوان «تنها شاخص کافی ملیت» در نظر گرفته می‌شد؛ اما امروزه چنین پروژهای، کارساز و کارآمد نیست و شاید حامیان چنین استعاره‌ای که مدام می‌گویند در همه کشورهای فقط یک زبان، رسمیت دارد و یک زبان، کارآمد است، به ذهنشان خطور نکرده است که در هیچ جایی از دنیا، جوامع تک‌زبانی وجود خارجی ندارد و حتی بیشتر کشورها بیش از یک زبان را به رسمیت شناخته‌اند. در نهایت، هیچ گویشور تک‌زبان‌های وجود ندارد و همه گویشوران، کمابیش، برخی از واژه‌ها را از یک زبان دیگر می‌دانند و اصولاً جوامع تک‌زبان، زاده وهم و تخیل‌اند. در نهایت چنین جوامعی، خواستار به حاشیه راندن یا نادیده گرفتن هر گویشوری‌اند که به‌غیر از زبان اکثریت سخن می‌گوید. به دیگر سخن، چنین جوامعی که با رویکرد استعاره‌ای، زبان را مانند یک ملت در نظر می‌گیرند و تک‌زبانگی را بنای اتحاد می‌پندارند، نه‌تنها یکپارچگی را برای ملت خود به ارمغان نمی‌آورند؛ بلکه دیگر گویشوران را به حاشیه می‌رانند و هر فردی را که به زبانی غیر از زبان غالب صحبت کند، نادیده می‌گیرند.

منابع فارسی

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). *زبان‌شناسی کاربردی و مسائل میان‌رشته‌ای*، تهران: علمی.
- خالق پناه، کمال و سنایی، علی. (۱۳۹۹). «مدرنیته و صورت بندی گفتمانی سیاست فرهنگی: تحلیل گفتمان سیاست فرهنگی دولتی در ایران (۱۳۸۵ ه. ش. تا به امروز)». *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۳۱ (پیاپی ۷۹)، ۵۷-۷۴.
- رسولی، حسین؛ رضا دهقانی و علیرضا کریمی. (۱۳۹۶). «سیاست‌های زبانی پهلوی اول در کردستان و پیامدهای آن (با تأکید بر مدارس)». *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۸ (۳۰)، ۷۸-۹۸.
- کلان، امیر. (۲۰۱۸). *چه کسی از آموزش چندزبانه می‌هراسد؟ ترجمه هیوا ویسی*، نسخه دیجیتالی فارسی.
- محمدی، عادل. (۲۰۲۳). *تصوّرات نادرست پیرامون زبان*، سوئد: نشر 49books.
- یاری قلی، بهبود؛ منصفی، رؤیا. (۱۴۰۲). «واکاوی مفهوم زبان مادری در اسناد آموزش و پرورش و بررسی نمود آن در جامعه با تکیه بر چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان»، *پژوهشهای زبانی*، ۱۴ (۲)، ۱۶۰-۱۳۱.

منابع غیرفارسی

- Anthony, L. & Baker, P. (2015). ProtAnt: A tool for analysing the protoypicality of texts. *International Journal of Corpus Linguistics*, 20(3), 273-292.
- Baker, P. & Ellece, S. (2011). *Key Terms in Discourse Analysis*. London: Continuum.
- Battistella, E. L. (2005). *Bad Language: Are Some Words Better than Others?* Oxford and New York: Oxford University Press.
- Bernstein, K. A., Anderson, K. T., Close, K., & Rodriguez Martinez, S. (2023). Teacher beliefs about multilingual learners: how language ideologies shape teachers' hypothetical policymaking. *International Multilingual Research Journal*, 17(3), 191-219.
- Bialystok & et al. (2005). The effect of bilingualism on cognitive control in the Simon task. *Neural mage*, 24, 40-49
- Cameron, L. (2003). *Metaphor in Educational Discourse*. London: Continuum.
- Cameron, L. (2012). *The commodification of language: English as a global commodity*. In T. Nevalainen & E. C. Traugott (Eds.), *The Oxford handbook of the history of English* (pp. 352-361). Oxford: Oxford University Press.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. Berlin: Springer.
- Chmielecki, M & Sułkowski, L. (2016). *Metaphors in Management - Blend of Theory and Practice*. Frankfurt am Main: Peter Lang.
- Farangi, M. R., & Naami, A. (1402). A study of early multilingualism in Iran: The effects of mother tongue literacy, socio-economic status and foreground TV exposure. *Acta Psychologica*, 243, 1-10.
- Goatly, Andrew. 2017. *Metaphor and Grammar in the Poetic Representation of Nature*. *Russian Journal of Linguistics* 21 (1). 48-72.
- Groff, C., Zwaanswijk, W., Wilson, A., & Saab, N. (2023). Language diversity as resource or as problem? Educator discourses and language policy at high

schools in the Netherlands. *International Multilingual Research Journal*, 17(2), 157–175.

Hall, R. (1960). *Linguistics and Your Language* (2nd revised edn of *Leave Your Language Alone*), Garden City, NJ: Anchor.

Harrison, S.S. (1957). *The Most Dangerous Decades: An Introduction to the Comparative Study of Language Policy in Multi-lingual States*. New York: Language and Communication Research Center, Columbia University.

Hart, C. (2010). *Critical discourse analysis and cognitive science: New perspectives on immigration discourse*. New York: Palgrave Macmillan.

Horner, K. (2009). Language, Citizenship and Europeanization. Unpacking the Discourse of Integration. In *Discourses on Language and Integration: Critical perspectives on language testing regimes in Europe*, ed. by Gabriella Hogan-Brun, Claire Mar-Molinero, and Patrick Stevenson, 109–128. Amsterdam: John Benjamins.

Jo Napoli, D. & Lee-Schoenfeld, V. (2010). *Language matters: A guide to everyday questions about language* (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.

King, L. (2018). *The Impact of Multilingualism on Global Education and Language Learning*. London: Cambridge Assessment English.

Lakoff, R. (1990). *Talking Power: The Politics of Language*, New York: Basic Books.

Nkoala, S. (2024). Multilingual students' linguistic repertoires as a resource: a case study of assessments in journalism studies. *International Multilingual Research Journal*, 18(4), 364–379.

Phillipson, R. (1992). *Linguistic Imperialism*, Oxford: Oxford University Press.

Piller, I. (2016). *Linguistic diversity and social justice: An introduction to applied sociolinguistics*. Oxford University Press.

Rickerson, E. M. & Hilton, B. (2006). *The five-minute linguist: Bite-sized essays on language and languages*. London: Equinox Pub.

Ruiz, R. (1984). Orientations in language planning. *NABE Journal*, 8, 15-34.

Ruiz, R. (2011). *Afterword: Cooking with Nancy*. In F.M. Hult & K.A. King (Eds.), *Educational linguistics in practice: Applying the local globally and the local globally* (pp.173-178). Bristol: Multilingual Matters.

Semino, E. (2008). *Metaphor in discourse*. Cambridge: Cambridge University Press.

Sheyholislami, J. (2019). Language as a problem: Language policy and language rights in Kurdistan-Iran. *Etudes Kurdes*, 99-134.

Spolsky, B. (2004). *Language policy*. Cambridge: Cambridge University Press.

Van Dijk, T. (2006). Ideology and Discourse Analysis. *Journal of Political Ideologies*, 11(2), 115-140.

Wodak and M. Meyer. (2009), *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage.

Yule, G. (2010). *The Study of Language*. Oxford: Oxford University Press.